



آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

اسفند ۱۳۵۵

سال دوم، شماره های ۱۰، ۱۱ و ۱۲

» بیا کمک کنید! «

این فریاد داد خواه

خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی ایران

است

اخیراً اطلاعیه‌ای از طرف "انجمن جهانی خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی ایران" منتشر گردید و نسخه‌ای از آنرا دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران دریافت کرد.

اطلاعیه ضمن اعلام تاسیس "انجمن جهانی خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی ایران"، اهداف خود را بیان داشته و به افشای رژیم ترور و اختناق محمدرضا شاهی، جنایات متعدد ساواک، و تسریع وضع غیر قابل تحمل زندان برای زندانیان سیاسی پرداخته است.

هدف انجمن "دفاع از حقوق مدنی و سیاسی زندانیان، متوقف ساختن شکنجه و اعدام زندانیان و متهمین سیاسی، و تعقیب و مجازات مسببین جنایات گذشته علیه شهدا و زندانیان سیاسی، تماما در چهارحوب حقوق مصرحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر" و همچنین "حمایت مادی و معنوی از زندانیان سیاسی و قربانیان ساواک و مستگان تحت نفقه آنان و شهدا" اعلام شده است.

انجمن جهانی خانواده شهدا و زندانیان سیاسی ایران ضمن تاکید بیطرفی و عدم وابستگی خود به حزب یا گروه سیاسی خاصی خاطر نشان میازد که "انجمن ما بنا به تعریف اساسنامه‌ای آن از خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی یا کرایشها و نقطه نظرهای مختلف تشکیل شده که کلا تحت هد و مدیریت دفاع از اسران خود (زندانیان سیاسی) و احقاق حقوق شهدا و کمک و حمایت از بستگان آنها گرد هم آمده اند. "انجمن از" کلیه افراد، گروهها و سازمانها مختلف ترقی داخل و خارج کشور انتظار دارد که در تحقق اهداف آن -

انجمن همکاری کنند. بنا بر اطلاعیه "انجمن"، "در حال حاضر سعادت نظریک هیئت مؤسس، مرکب از خانواده‌های زندانیان و شهدای سیاسی اداره می شود و ریاست افتخاری آن با خانم عالمتاج کلانتری (مادر شهید بیژن جزئی و خواهر شهید مشعوف کلانتری) است".

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران تشکیل "انجمن جهانی خانواده شهدا و زندانیان سیاسی ایران" راگامی مؤثر و استکاری مثبت تلقی کرده آماده است در حد امکانات و توانائی خود برای پیبرد اهداف آن بکند. سازمان ما از بدو تأسیس خود همواره هوادار راستین و سرسخت وحدت عمل نیروها و اپوزیسیون در مبارزات ضد رژیم بوده و این موضوع را خصوص در زمینه "دفاع از زندانیان سیاسی ایران و افسای جنایات ساواک تاکید کرده است. ماهیت و اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک خود را با سایر نیروهای ضد رژیم نبینانده ایم ولی همواره خاطر نشان ساخته ایم که در برابر ترور و خفقان رژیم دامنشاه که به همه نیروها و عناصر اپوزیسیون سرخوردی همانند دارد، باید دزدی متحد ایجاد کرد. دفاع از زندانیان سیاسی ایران، این فرزندان عبور حلقهای ما، و وظیفه مقدس هر انسان سربل ابرائی است و گمانیکه بخواهند تحالوای "اختلافات سیاسی" از دفاع بدون قید و شرط ارگند، زندانیان سیاسی سر باز زنند، چه خواهند و چه نخواهند، آب ظهیر بر دستنه خونین حلال ریخته اند. سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ششمانی عضو خود را از انجمن

جهانی خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی ایران در چهارچوب مواضع اعلام شده در اطلاعیه آن اعلام کرد. سازمان ما به عنوان اولین قدم در جهت همکاریهای آینده اطلاعیه انجمن را تکثیر کرده و در اختیار ایرانیان مقیم خارج قرار داده است.

**WORLD ASSOCIATION OF THE FAMILIES OF IRANIAN
POLITICAL PRISONERS AND MARTYRS**

انجمن جهانی خانواده‌های
شهیدان و زندانیان سیاسی ایران

**Association Mondiale des Familles
de Prisonniers Politiques et Martyrs Iranians**

BOX 1, 142 DRUMMOND STREET, LONDON NW1, ENGLAND.

اطلاعیه

تزايد روزافزون موج خفقان و دستگیری و شکنجه زندانیان سیاسی ایران در سالهای اخیر رکود حنایت، آدم‌کنی و تعدی به حقوق بشر را در سطح جهانی شکسته است. زجر، شکنجه، زندان، اعدام و کشتارهای دستجمعی مردم میهن ما رفته رفته زیانزد همه مردم دنیا شده و موجب از خشم و نفرت و انزجار علیه عاملین آنرا برانگیخته است. حنایات اوک نسبت به زندانیان سیاسی و مخالفین رژیم در ایران، آنرا به صورت منحوس ترین و مخوف ترین سیستمیسی جهان در آورده است. در چند سال اخیر صدها نفر از بهترین فرزندان میهن ما بوسیله اوک در خیابانها، زیر شکنجه یا میدانهای نیر شهادت رسیده‌اند هم اکنون ده‌ها هزار نفر زندانی سیاسی در باهالها و شکنجه‌گاه‌های اوک بسر می‌برند.

شرایط زندانیان ایران از نظر جا و مکان، نور و تهویه غذا، تراکم جمعیت، تغذیه

وسایل اولیه، بهداشتی و دارویی، آنها را بصورت سیاه‌جالب‌های فروین وسطایی در آورده و زندگی زندانیان را تبدیل به مرگ تدریجی کرده است. شکجه به صورتهای مختلف و وحشتناک و بنا حد مرگ، شیوه عام رفتار ساواک با زندانیان سیاسی از اسدای بازداشت و در تمام طول مدت زندان است. محدودیتهای شدید در امر ملاقات و رساندن غذا و وسایل به زندانی و شهیدها و فشارها گوناگون بد خانواده‌های زندانیان و شهیدا و منحلله بازداشت و شکنجه‌بستانگان نزدیک، از کودکان صغیر گرفتار تا پدران و مادران کهنسال و از کارافتاده، نمونه دیگری از جنایات بی‌حد و حساب ساواک نسبت به زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان و شهیدا شعار می‌آید. اسناد مربوط به این تعدیات تا کنون بارها از طرف سازمان‌های حقوقی بین‌المللی و ناظران و خبرنگاران مطبوعات مختلف در سطح جهانی منتشر شده است.

جنایات ساواک نسبت به زندانیان سیاسی و بستگان آنان و شهیدا در ایران، حدی است که هیچ انسان شرافتمند و نوع‌دوستی نمی‌تواند در برابر آن ساکت بنشیند. اعتراضات وسیع اقماری و گروه‌های مختلف اجتماعی و مخصوص نظاهرات و اعتصاب‌های دانشجویان در داخل و خارج کشور، این واقعیت را بخوبی نمایان می‌سازد.

متعلا تحریه‌ها نشان داده است که این اقدامات اعتراضی و افشاگرانه تاثیر مهمی در عقب‌نشینی ساواک داشته و در بعضی موارد موجب تغییر رفتار آن با زندانیان سیاسی یا تقلیل زندان و لغو محکومیت اعدام شده است. طبیعی است هر چه این اقدامات گسترده تر صورت گیرد و سطح وسیعتری از افکار عمومی جهانیان را برانگیزد، تاثیر یاد شده برانقباض خواهد شد. در این رابطه انجمن جهانی خانواده‌های شهیدا و زندانیان سیاسی ایران، برای "دفاع از حقوق مدنی و سیاسی زندانیان، متوقف ساختن شکنجه و اعدام زندان و منہمین سیاسی، و تعریف و مجازات مسبین جنایات گذشته علیه شهیدا و زندانیان سیاسی، تماما در چهارچوب حقوق مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر" و همچنین "جماعت مادی و معنوی از زندانیان سیاسی و قربانیان ساواک و بستگان تحت نفقه آنان و شهیدا" تشکیل شده و با اعلام موجودیت خود، کلیه افراد، گروهها و سازمانهای حقوقی، صنفی، سیاسی و مترقی را بکمک و همکاری با خود فرا می‌خواند.

انجمن ما یک تشکیلات بیطرف است که بهیچ حزب و دسته و گروه سیاسی خاصی متکی ندارد. بدیهی است که همه احزاب و سازمانهای مترقی سیاسی میتوانند

دلایل این عدم جهتگیری را بخوسی درک کنند. انجمن ما بنا به تعریف اساساً آن از خانواده‌های شهید و زندانیان سیاسی با گرایشها و نقطه نظرهای مختلف تشکیل شده که کلاً تحت هدف مشترک دفاع از اسیران خود (زندانیان سیاسی) و احقاق حقین شهید و کمک و حمایت از بستگان آنان گرد هم آمدند و بنابراین لازمه تکوین، کامل و سرخس بودن این انجمن در درجه اول بطرفی سیاسی است.

ما خواستار قطع تعديات و شکنجه‌های ساواک و اعدام در مورد زندانیان سیاسی و آزادی همه آنان یعنی خواهران، برادران، پدران، مادران، همسران و فرزندانشان، و تعقیب مستین جنایات علیه بستگان شهید و زندانیان مان هستیم. برای رسیدن باین هدف، انجمن ما سازماندهی فعالیتهای اعتراضی و افشای هرچه بیشتر اعمال خلاف قانون ساواک را به زبانهای مختلف و در سطح جهانی از طریق انتشار اخبار و اطلاعات، اسناد و مدارک مربوط به زندانیان سیاسی ایران در سرلوحه فعالیتهای خود قرار داده است.

ما از کلیه افراد، گروهها و سازمانهای مختلف طرفی داخل و خارج کشور انتظار داریم که در تحقق هدفهای فوق با ما بصورت همه جانبه همکاری کرده و بخصوصاً در موارد زیر از حمایت و کمک‌های سیدریخ خود ما را برخوردار کنند.

۱- انجمن ما در حال جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات کافی و همه‌جانبه درباره کلیه زندانیان سیاسی، تعقیبیها، شهیدها و تمام کسانی که بنحوی مورد تعديات ساواک قرار گرفته و با فریبی آن شده‌اند می‌باشد. بخش مهمی از این اطلاعات مستقیماً از طریق خانواده‌ها و بستگان زندانیان فراهم می‌شود ولی طبیعی است که تکمیل هرچه بیشتر آن موکل به همکاری همه افراد و سازمانهای علاقمند خواهد بود. بنابراین ما منتظر دریافت اطلاعات، اسناد، مدارک، عکسها و . . . مربوط به زندانیان و شهیدای سیاسی و تعديات ساواک نسبت به زندانیان، شهیدها و خانواده‌های آنان، از طرف هر قسمتی که آنها را در اختیار داشته باشد هستیم. متقابلاً مخزن اطلاعاتی ما همواره آماده است که نیازهای اطلاعاتی افراد و سازمانهای علاقمند در این باره را در حد امکان برآورد.

۲- ما از کلیه افراد، گروهها و سازمانهای سیاسی تقاضا داریم که حمایت خود را از انجمن ما اعلام کرده و در کلیه فعالیتهای اعتراضی و افشاگرانه با ما همکاری نموده و در رساندن صدای حق‌طلبانه ما بگوش مردم جهان از حد اکثر امکانات خود استفاده کنند.

۳- فشارها و تعدیات جنایت آمیز ساواک موجب بی خانمانی و پیدایش شرایط اقتصادی برای بسیاری از خانواده‌های زندانیان ، شهدا و قربانیان ساواک ، شده است . انجمن ما حمایت مادی و معنوی از این خانواده‌ها را به عنوان یکی از هدفهای خود در نظر دارد و باین منظور و هم چنین برای تدارک فعالیتهای دفاعی از هرگونه کمک مالی و انساندوستانه استقبال می‌کند .

مقر بین المللی انجمن در حال حاضر در لندن به نشانی یاد شده در بالا است و واحدهای کشوری انجمن در کشورهای مختلف آماده همکاری با نیروها و سازمانهای مترقی محلی خواهند بود .

انجمن در حال حاضر تحت نظریک هیئت مؤسس ، مرکب از خانواده‌های زندانیان و شهدای سیاسی ، اداره می‌شود و ریاست افتخاری آن با خانم عالمنج کلانتری (مادر شهید بیژن حزنی و خواهر شهید منصور کلانتری) است .

انجمن جهانی خانواده‌های شهدا و زندانیان

سیاسی ایران - اسفندماه ۱۳۵۵



مادران ، اثر کته کولویس

کوجه آرایان گوی اهرمن در تاب
فرش خون میکشانند از حماسه پروران روز
تا بیاید شنیدی پرورد بخوی
در میان کاخ بی روزن
و نخیزد از کسی فریاد :
ننگ بر جلا د !

در نهانگاه تصور و شب در ایوان
آن سید دیوان
از رگ و کیسوی مردان و زبان کار
ریسمان دار بیافند
تا نخیزد از کسی فریاد :
ننگ بر جلا د !

اسرافان نکه کم کرده ی بسیراه
تا شتابی سحت
دفتر تاریخ را با واژه های کهنه و فریب
- در خور فرسودگی و کهنگی هاشان -
میارانند
تا نخیزد از کسی فریاد :
ننگ بر جلا د !

کوجه آرایان بد اندیش،
ابربافان سیاهی جوی کز کردار
سخت در کارند
تا بخشگانند رود بیرون آمدن ها را ؛
ولی در پهنه امروز
- بیافردا -
لذت فراز قله های ایستا بر جا
میشکوفد بال و پیر زدن شب افکن
و رهائی میکشند فریاد :

ننگ بر جلا د !
صبحدم را آمدن خوش باد !

نامه سرگشاده

دکتر کورب والدهایم دبیرکل سازمان ملل متحد

عالیجناب!

در برابر خواست افکار عمومی جهان ، منی برپایان دادن ترور و اختناق در ایران و انفراد روز افزون رژیم این کشور در صحنه بین‌المللی ، دولت ایران در دوم فوریه سال ۱۹۷۷ با اعلام آزادی تثنی چند از زندانیان سیاسی به نمایش تبلیغاتی جنجال آمیزی دست زد . هدف دولت ایران از این اظهار وقیحانه و استهزا آمیز ظاهر به لیبرالیسم و فریب افکار عمومی جهان است و اطمینان آنستکه دستیاری به قهر در همه کسرت‌های زندگی ، منع آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک ، سانسور مطبوعات ، سرکوب کارکنان ، دهقانان و روشنفکران و اعدای آنها خونین همچنان ویژگیهای بنیادی رژیم کمونی ایران را تشکیل می‌دهند .

بویژه وضع زندانیان سیاسی ، که شمارشان سرسام‌آور است ، تعداد زندانیان سیاسی ایران بین ۴۰ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود ، پس نگران کننده است . در میان آنها تقریباً همه قشرهای جامعه ، کارگر ، روشنفکر روحانی ، دانشجو و غیره و نمایندگان اندیشه‌های سیاسی گوناگون مشاهده می‌گردند . مهم آنکه در سالهای اخیر ، تعداد روز افزونی از افراد ، ۶۰۰ نفر ، از جانب ساواک (سازمان پیشین مخفی) ربوده ، کشته ، اعدام و یا آنکه در اصطلاح " در کبیرهای خیابانی " کشته می‌شوند .

ما خواهان قطع اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی ، آزادی آنها ، احترام به حقوق بشر و تحقق آزادی‌های دموکراتیک هستیم . درین رابطه ، می‌خواهیم که توجه شما را بویژه به سفر قهرمانی حلب کنیم که اکنون بیش از سی سال است که در زندان بسر می‌برد . وی قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان است . سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران بدینوسیله از شما تقاضا دارد ، شخصاً در راه آزادی قوری قهرمانی اقدام کنید ، بویژه آنکه ، طبق گزارشهای رسیده ، وضع مزاجی او بسیار وخیم است . در صورت لزوم حاضریم اطلاعات بیشتری در این زمینه در اختیارتان بگذاریم .

در انتظار جواب مثبت شما

از طرف سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران - امضاء

گفتگو

شاملو

احمد شاملو شاعر معاصر، نام ناآشنائی نیست. سالیان درازی است که می‌سراید، می‌نویسد و پژوهش می‌کند. خبر مهاجرتش دستداران شعر و ادب پاریس را متعجب و متاثر ساخت.

رژیم فرهنگ‌ستیز پهلوی، محیطی تحمل‌ناپذیر برای مردم میهن ما ساخته است. و هر کس بانگ اعتراض بردارد به عقوبتی سخت دچار خیابان‌شده، شکنجه و تیرباران گمانیکه به پیروی از وجدان خود نمی‌توانند سکوت کنند. دردستور روز فعال سازمان تروریستی امنیت قرار دارد. نویسندگان مردم بجرم نوشتن درد آنها به حبس‌های سنگین محکوم می‌شوند و اینک که کوس رسوائی شاه و سازمان تروریستی اش بر بام جهان نواخته شده، حیلۀ تازه‌ای در

کار میکنند و هنرمندان پیشرو را مجبور به ترك میهن خود می‌سازد و شاملویکی از آنهاست .

شاملو که یکی از ارجمندان فرهنگ امروز میهن ماست زادگاه خود را که جولانگاه سازمان تروریستی امنیت شده ترك کرده است . از وی پرسیم .

— آقای شاملو انگیزه های مهاجرت خود را برای ما بگویید .

— انگیزه های این مهاجرت روشن است : در ایران دیگر برای من امکان زیستن و کار کردن وجود نداشت . دروغ و ابتذال و فرومایگی به حد غیر قابل تحملی رسیده است . فی‌المثل اسامی طای مراسم مخزنی به نام "هفته کتاب" از طرف سازمان پیشاهنگی (؟) برای من گل و نامعنی فرستاده بودند و در آن از من به خاطر اینکه در پنجاه سال گذشته گیری خانوادگی خبیثه به کار تا "لیقات اشتغال داشته‌ام تقدیر بعمل آورده بودند در صورتی که سالهاست مرا "ممنوع‌العلم" اعلام کرده‌اند و مانع انتشار کتابهایم می‌شوند! البته ترك یار و دیار در پنجاه و دو سالگی مشکل است . اما جز این چاره‌ای ندیدم . من باید کار کنم ، بنویسم و حرف بزنم و برای این مقصود راه خارج را در پیش گرفتم .

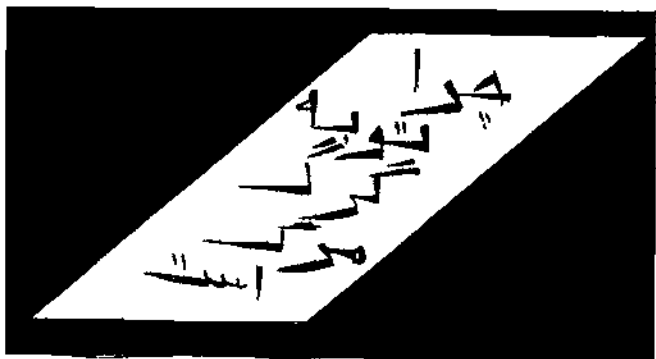
— نظرتان درباره فضای فرهنگی در ایران چیست ؟

— از فضای فرهنگی در ایران بهتر است چیزی نگوییم . چنین فضایی در ایران وجود ندارد . دستگاه حاکمه ده تا چند سال پیش دست‌کم ظواهر کار را بنحوی رعایت می‌کرد اکنون دیگر به نقاب ظاهر کاری هم احساس نیاز نمی‌کند و در دشمنی با اندیشه و فرهنگ یکباره دست خود را رو کرده است . هیچ مجله‌ای ، کتابی ، هیچ چیز برای دیدن یا شنیدن نیست . در کشوری که داشتن کتاب رسماً جرم سیاسی تلقی می‌شود سخن گفتن از فضای فرهنگی شوخی تلخی بینستمر نیست .

آرمان . از توضیحاتان متشکریم . آیا پیامی ، حرفی برای دانشجویان دارید ؟

— پیام من به دانشجویان در حال حاضر جز این چیزی نمی‌تواند باشد که باید اختلافات مسلکی خود را به خاطر فوریت امر مبارزه برای رهائی کشور از چنگال غارتگران کنار بگذارند و از ایجاد تفرقه در صفوف خود که مستقیماً به سود دشمن تمام می‌شود با همه قوای خود ممانعت کنند .

آرمان بزودی چند شعر تازه و انتشار نیافته از احمد گناه سور را انتشار خواهد داد . در انتظار آرمان باشید .



اخیراً بخشی از دانشجویان خارج از کشور، که هنوز زیر نام "کشف‌راسیون جهانی" هیاهو دارند، با ما بیعت نمودند "کشف‌راسیون ها" به آن نام "کشف-راسیون" شماره ۱ دادیم - بعد از "اکسیون اشغال مرکزی اروپائی ساواک" به سیر و صدا پرداختند و با مصاحبه های مطبوعاتی و چاپ با اصطلاح اسناد ساواک به حساً خود خواستند با بدن نیمه جان "کشف‌راسیون" خود روح تازه بدمند و بدین وسیله سایر رقباء را از میدان بدر کنند .

طبق معمول و سنت تا میمون همیشگی عدم ای که در هر فرصت دنیا، بهانه میکردند تا سیاست ضد توده ای و ضد موروی خود را به پیش بزنند، در این فرصت نیز ساکت نماندند و با انواع دسیسه و دشمنی خود را با حزب توده ایران ثابت کردند .

آنها با تمهت و دشنام خواستند ثابت کنند که : اولاً شیوه پیشنهادی سازماندهی حزب توده ایران در شرایط کنونی تا درست است، ثانیاً با علم کردن بعضی از ناگامیهای گذشته اینطور وانمود کنند که این شکل سازمان دهی انقلابی حزب توده ایران ناموفق و حتی جاسوس پرور است، بدیهیست که تمام این دسیسه ها برای ایجاد بسی اعتمادی بین مبارزان انقلابی و اعضا و هواداران حزب توده ایران صورت بگیرد .

ما بعد از مطالعه "اسناد" منتشره در "۱۶ آذر شماره ۷" و سلسله مقالات منتشره از طرف ساواک در نشریات "کیهان" و "اطلاعات" باین نتیجه رسیدیم که مسئله از دو حال خارج نیست : یا "اسناد" جعلی است، یعنی دسیسه ای است برای بی اعتبار کردن حزب توده ایران یا "اسناد" واقعی است، منتها مربوط به حزب توده ایران نمیشود و ضد توده ایها خواستند آنرا وسیله حمله به حزب توده ایران قرار دهند . ما هر دو حالت را بررسی می کنیم :

حالت اول: سند جعلی است یعنی چرا این اتهام که "شخص اول" حزب توده در اختیار ماست و نردوم از افغانستان وارد شده و بحزب توده ایران نس چسبید؟ برای رد این ادعا نخست بخشهایی از نوشته "یادداشتها" درباره کارسازمانی در شرایط ترور و اختناق" - از انتشارات حزب توده ایران سال ۱۳۵۳ - یعنی دست-

المعمل مبارزان توده‌های را ضروری میدانیم:

۱- سازماندهی کار مخفی: حزب توده ایران برای سازماندهی کار مخفی، دو اصل اساسی را در شرایط امروز پایه کار قرار داده است: یکی برتری کیفیت بر کمیت و دیگری عدم تمرکز تشکیلاتی (تکیه از ماست) *

ب- اصل عدم تمرکز تشکیلاتی: اگر اصل برتری دادن کیفیت بر کمیت (این قسمت در بخش الف، بطور جامع شرح داده شد آرمان)

در سازماندهی انقلابی اصلی است عامه که در شرایط کنونی کشور ما برجستگی خاصی پیدا کرده است و تا حدودی معنای خاصی یافته است ولی بر صورت اصلی است که در جهت اصول سازمانی حزب طراز نوین لنینی عمل میکند * ولی اصل عدم تمرکز تشکیلاتی اصلی است کاملاً کاربردی در شرایط کنونی بنا تکمیل شده و همانطور که مراعات آن الزامی و با زندگی حزب مربوط است، هم دقت در درک درست و اجرای صحیح آن - میتواند زیان بخش باشد به این دلیل باید دقیقاً فهمید که عدم تمرکز تشکیلاتی بچه معناست و این عدم تمرکز چه جوانبی از زندگی حزبی را در بر میگیرد و چه جوانبی را در بر نمیگیرد و نباید در بر گیرد *

..... اصل عدم تمرکز تشکیلاتی: شکل الزامی فعالیت سازمانی در شرایط کنونی است احیاء سازمانهای حزبی در مقیاس وسیع در مرحله و پله کنونی مبارزه از ایجاد گروهها، کوچک جداگانه‌ای آغاز میشود که از نظر اندئولوژیک و سیاسی هم اکنون وحدت دارند و برای هدف واحد با شیوهها و اصول واحد مبارزه میکنند * کار آنها مکمل یکدیگر است، ولی از نظر سازمانی - و فقط از نظر سازمانی بهم مربوط میشوند، اما همه عناصر و پایه های لازم را دارند که در موقع لازم بهم بیوندند و سازمان حزب واحد لنینی را بوجود آورند ...

(متأسفانه به علت محدود بودن صفحات آرمان ذکر همه مطالب "یادداشتها" ... ممکن نیست * از اینرو همراه این شماره جزوه "یادداشتها" ... در اختیار خوانندهگان آرمان قرار میگیرد * خواندن این یادداشتها را به همه مبارزان انقلابی توصیه می- کنیم)

این آقایان در مقابل این شکل، پیشنهادی کار سازمانی در شرایط ترور و -
 اختناق کنونی کشور ما چه میگویند؟ مطلقاً کردن یک شیوه "نظامی چریکی" (یعنی
 ترور) و ناگزیر دنبال دلیل گشتن برای رد شیوه پیشنهادی حزب توده ایران تا حد
 به لجن کشیدن تا جوانمردانه آن و سرانجام دیدن به سرنای ضد توده‌های که برای
 آنها بشکل انجام وظیفه درآمده است.

۱۶ آذر شماره ۷ آبانماه ۱۳۵۵ "ارگان کنگد راسیون" شماره ابا انتشار مقاله
 "توبه گرگ مرگ است" بوکالت از طرف ساواک به کارزار ضد توده‌های پرداخته است
 شاید برای مبارزان ساده ولی گمراه هوادار "کنغد راسیون" شماره ۱ جمله "بوکالت
 از طرف، ساواک" گران آید. اما آنها به داز خواندن توضیحات ما متوجه خواهند شد
 که چطور افرادی در لباس پیش‌نقش گرگ درنده را در جنبش ضد امپریالیستی و دمکرا
 تیک ما معینده دارند.

ماهنامه ۱۶ آذر مورخ آبانماه ۱۳۵۵ در مقاله "توبه گرگ مرگ است" مینویسد:
 "هیئت دبیران کنگد راسیون جبانی و پر از بورسی اسناد بدست آمده از
 آکسیون اشغال مرکز اروپائی ساواک - اعلام یافت که سازمان امنیت توسط نفر
 ابل یک (تیکه از ماست) میکه باصطلاح حزبی در گروهی که بنام "حزب -
 توده" در ایران گرد هم آمده‌اند موفق به نفوذ شده است. از جمله اقداماتی
 که هیئت دبیران کنگد راسیون در این زمینه بعمل آورده اعلام مستند این
 امر به درود است "نیت مرکزی" بود. چه مسئله دارای اهمیت غیر قابل انکار
 بود و نجات جان افرادی که تصمیم به مبارزه دارند در دستور کار قرار داشت
 و این هم بدین متناور که کمیته مرکزی لااقل برای حفظ ظاهر از تکرار مواردی
 تظاهر جریان سردرباری و دیگران بپرهیزد و طی اعلام آشکار این مسئله از گرفتار شدن
 عناصری که در ارتباط با این گروه قرار گرفته و یا میگیرند جلوگیری و
 (۱۶ آذر شماره ۷)

در اینکه افرادی از این گروه با دیدن باصطلاح سند ساواک روی نیت خیر پیشنهاد
 کردند که این "سند" باستحضار رهبری حزب توده ایران برسد شکی نیست. اما
 افراد دیگری از این گروه که دشمنی خود را با حزب توده ایران بکرات ثابت کرده‌اند
 وبدون اغراق باید گفت روتن ضد توده‌های و ضد شوروی با سرشت سیاسی آنها عجین
 شده است چه کردند؟ با پذیرش ظاهری این پیشنهاد مبلاتفاصله و با نقشه حساب
 شده بشایعه پراکن وسیع علیه حزب توده ایران پرداختند. مدینه منظور که تخم عدم
 اعتماد را در میان مبارزان انقلابی و هواداران و اعضاء حزب توده ایران بکارند و

سیاست نمد نمود های خود را از پیش بیرونند * سخنگویان این ضد تود مایسای حرفهای -
درست بعد از اشغال سفارت ایران در ژنو در مجال های دانشجوئی در بحث با
هواداران حزب توده ایران ، شکل سازمانی کنونی حزب توده ایران را نادرست -
دانستند و بنا یادآوری خیانت عباس شهریاری حتی با اطمینان ادعا کردند که " صبر کنید
گوش در مایید شهریاری های دیگری هم عنقریب رو خواهند شد این شکل کار شهریاری
پرور است " .

آنها این ادعا را با گستاخی خاص خود در همین مقاله " توبه گرگ مرگ است " هم
تکرار کردند :

" این دارودسته سازشکارو ضد انقلابی نه تنها از رویداد رسوا کننده
شهریاری نیاموخته بلکه به سرپوش گذاشتن واقعیت موجود شهریاری دیگر
میکوشند " (تکه از ماست)

و یا

" این آرزورا که جنبش تودهای شان این بار هم نظیر جنبه عباس شهریاری
در میان گروههای انقلابی نمود نماید "

واقعاً باید از نظر سیاسی منحنی شد تا بتوان ادعای پوچ مایور ساواک را با چنین
جسارتی بحزب توده ایران نسبت داد ، و ناگزیر به شیپور تبلیغاتی ساواک تبدیل
شد که : ای مردم ایران چرا به حزب توده ایران روی میاورید ، نه آن اطمینان نکند
چه ساواک در آن نفوذ دارد و انگمت ساواک در آنجا گرداننده اصلی است ؛
دشمنی با حزب توده ایران چنان چشم بصیرت سیاسی این افراد را کور کرده
که حتی خود بصورت مبلغ ساواک درآمدند * این آقایان تنها به پیچ و پیچ در گوئی
" کشد سند " قناعت نکردند ، بلکه نسخه ای از فتوئی این باصطلاح سند را بدون
اطلاع دیگر همکاران خود در کیف گذاشته و از این کشور به آن کشور رفتند *
بحساب خود " آس " شان را رو کردند تا حزب تودهایران رابی اعتبار سازند ، در
ایتالیا وقتی عناصر صادقی بی غرضی به پی پایه بودن " سند " در ارتباط با شکل پیش-
نهادی عدم تمرکز سازمانی حزب توده ایران " اشاره کردند ، همین آقایان مدافعین
" اومر تیمسار " ، بنا بشیوه متداول فرصت طلبانه خود حتی ظاهراً لحظه ای به درست
بودن ادعای " تیمسار " شک کردند و خود را گریه عاید جا زدند که : " ماکه تمید انیم
هرچه باشد حزبی است با اینهمه سابقه ، خود نشان باید نظر بدهند خود حزب -
توده از همه بهتر باین موضوعات تسلط دارد " .

ما توجه خواننده را بویژه به این جمله از "اوامر تیمسار" جلب میکنیم :

" ثابت شده است که گرداننده اصلی دستجات مخالف ایران روسها هستند تحت عناوین مختلفه انجمن های دانشجویی و همه سازمانهای مذهبی و گروه های مذهبی و غیر مذهبی بوسیله شوروی هدایت میشوند . مدارك مكشوفه اخیر این موضوع را ثابت میکند "

ما در مقابل این ادعای "تیمسار" ، از آنها میپرسیم : آیا واقعا این ادعای ساواك درست است ؟ یعنی گروه های مذهبی و دانشجویی و غیرمذهبی بوسیله شورویها هدایت میشوند ؟

کسانیکه کمترین اطلاعی از فعالیت سیاسی گروه های سیاسی ایران داشته باشند ، بلافاصله بعد از شنیدن این ادعای "تیمسار" سرش را خواهند خندید ، اما این آقایان از رونویسها برای اینکه سیاست ضد تودهای خود را به پیش ببرند ، با هزاره دوز و کلک ادعا میکنند که : " اوامر تیمسار " لاقا در این قسمت درباره حزب توده ایران درست است و بعد هم آنها گستاخی را بجائی رساندند که " اوامر تیمسار " را ترمیم هم کردند . " تیمسار " ادعا کرده است که " نفر اول شبکه حزب توده در اختیار ماست " .

آقایان در ۱۶ آذر نوشتند :

" هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی پس از بررسی اسناد بدست آمده از آکسیون اشغال مرکز ارومائی ساواك اطلاع یافت که سازمان امنیت توسط نفر اول يك شبکه به اصطلاح حزبی در گروهی که بنام حزب توده در ایران گرد هم آمده اند ، موفق به نفوذ شده است (تکیه از ماست) . "

و این ترمیم یعنی تبدیل " نفر اول " شبکه حزب توده " که در " سند " است به " يك شبکه با اصطلاح حزبی " برای آنست که هم سنتی " سند " را بیپوشاند و هم در مقابل سئوالات افراد صادق ، جایی برای فرار داشته باشند . چون خودشان بخوبی میدانند که شکل سازمانی حزب توده ایران بر اساس عدم تمرکز است ، یعنی اصولا شبکه سرتاسری در ایران نیست که نفر اول آن در اختیار ساواك بتواند قرار گیرد .

باید از این آقایان پرسید : این بود " سند معتبر " شما درباره كشف نفوذ ساواك در حزب توده ایران ؟ این بود ادعای دلسوزی شما که گویا " مسئله دارای اهمیت غیر قابل انکار بود " تحت جان افرادی که تصمیم به ساززه دارند در دستور کار قرار -

دائت " (۱۶ آذر شماره ۷)

حالت دوم یعنی " سند " واقعی است ، در سند " ساواك گفته میشود :

* نگر اول شبکه حزب توده در اختیار ماست - نگر دوم از افغانستان وارد شده - (تکیه

از ماست) ولی ما نفوذ دائمی و او را دستگیر کردیم. (۱۶ آذر شماره ۷)

مسئله غالب میشود، هفتیکه دقیقه سلسله مقالاتی که در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان از طرف ساواک نوشته شده، توجه کنیم. اطلاعات مینویسد:

"کوریوشا شائی برای توسعه دادن فعالیتها از طریق افغانستان و ما گذر -

نامه جمعی به ایران وارد شد. (تکیه از ماست) لاشائی مدتی در حدود امام بصورت مخفی

در ایران بمطالعه شرایط ایران پرداخت و سرانجام با کسانیکه معتقد بودند شرایط

ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت تغییر کرد، موی باید تحت رهبری های شاهنشاه یغما -

لیت پرداخت - عقیده شد و ضمن معرفی خود بمراجع دیصلاح در سال ۱۹۷۳ در -

یک مصاحبه بمطبعاتی و رادیو تلویزیونی نقطه نظر های دید اعتقادی خود را بیان

نمود. (اطلاعات ۲۹ دیماه ۱۳۵۵)

لاشائی کیست؟ یکی از رهبران سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور؛

بنظر میرسد که مطلب در حالت دوم یعنی در صورت واقعی بودن سند "کاملا روشن

است - یعنی در واقع صحبت بر سر "سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از

کشور است" که نگر اول آن در اختیار ساواک است. آقایان انقلابیون "باید او را -

پشناسند و معرفی کنند) و نگر دوم آنهم که از افغانستان وارد ایران شده کوریوشا -

شی خائن و مرتد است، همتها ساواک و مبلغین ساواک از شباهت نام سو استفاده

کرده. "سازمان انقلابی" را بجای حزب توده ایران جا زد مانند تا باز هم به هدف

خود، که بی اعتبار کردن حزب توده ایران است برسند.

اینکه انتخاب با خود آقایان مبلغین ساواک است که کدامیک از این دو حالت را بپند-

برند. و اما در هر دو حالت یک حقیقت مسلم است: ساواک و مبلغین ساواک وضد توده

ایهای حرفهای برای مبارزه با حزب توده ایران، جعل و تحریف و اشام را وسیله کار

خود قرار داده اند.

در اینجا است که معلوم میشود چرا توبه گرگ مرگ است!

یک سؤال آخرین هم از آقایان داریم: شما کعبه "اسرار کشف نشده ساواک"

دست یافتید، آیا به اسنادی هم رسیدید که اسامی نظیر فیروز فولاد را که مدتها

از گردانندگان بنام کفدراسیون شما بود پیدا کنید؟

در این اسناد آیا بنام سیروس نهبانندی، که از دوستان فعال سیاسی شماد در خارج

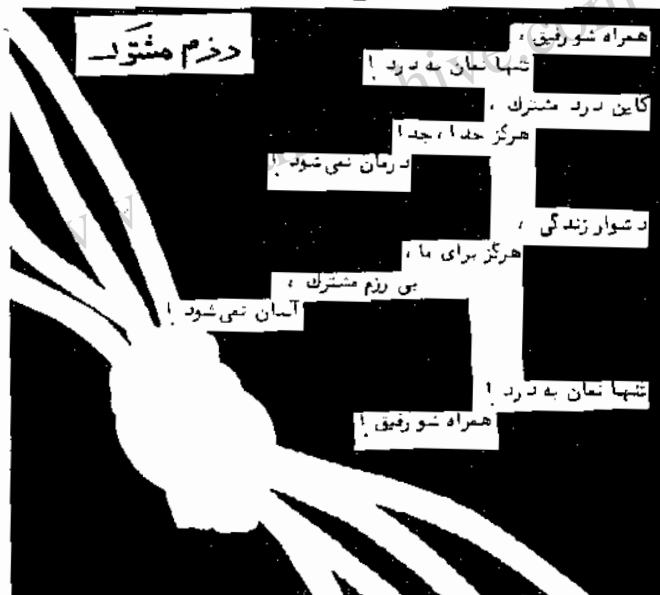
از که ورواز قهرمانان شماد در داخل کشور بود و "سازمان مجاهدین خلق ایران"

بتازگی وی را عامل فعال ساواک اعلام کرده است، هر نخوردید؟

این پرسشها و پاسخ آنها افشاگر شمایست.

ادیس بیثابه سازمان ضد امپریالیست و دمکراتیک تحریکات ضد توده ای وند
 شوروی را محکوم میکند و بعنه انقلابیون صادق ضد امپریالیست وند ارتجاع هشدار
 میدهد که مبارزه با جنبش کمونیستی بهر اسم و بهر شکلی که باشد بسود امپریالیسم
 و ارتجاع است.

مبارزین صادق باید از قدرت روز افزون ارد و گاه سوسیالیسم و احزاب کمونیست بعنوان
 پیگیرترین پشتیبانان جنبشهای نجات بخشمی حد اکثر استفاده را بنمایند و پروکاتورها
 و اخلا لگران ضد کمونیست را در هر مجلسی که باشند بشناسند، بشناسانند و از صفوف
 جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک میهن ما طرد کنند.



جنگ با مردم

همرنج ؟

ای برادر ما توام !
به تو ای رفیق جنگ !
جنگ از جد ؟
سا که ؟
جنگ با مردم آنسوی دریای عمان ؟
جنگ با خلق طغمار ؟
جنگ با مردم همرنج ؟
به سود چه کسانی آیا ؟
سواد سوداگر و جابوس بلید !
این دو حلاله فرومایه ترا ،
به چه واد استخوانند ،
سیدانی ؟
ماورم نیست که تو ،
تو که خود ریشه به رنج ،
تو که خود ریشه به محنت داری ،
تن به این تنگ دهی !
ای برادر برگرد !
غرفه در خون برادر بودن ،
و حسیان راست ،
سزا !
روی بر ناب ازین جنگ گتیا !
جنگ با مردم همرنج
بزاوار تو نیست !
ای برادر برگرد !

تجاوز جدید ایران
جمهوری نو ده
دمکراتیک

نیوتن اتحادیه بین المللی
دانشجویان "ARAB STRUGGLE"

در شماره ۱ از نوید ۱۹۷۷ خود زیر
عنوان بالا خبر میدهد :

در اواخر نوامبر ۱۹۷۶ هواپیما -
های نیروی هوایی ایران جمهوری
سود های دمکراتیک یمن را مورد حمله
قرار دادند . مردم یمن با این
آوردن یک هواپیما و دستگیری
در وقت از خلبانان باین تجاوز
پاسخ گفتند .

در سرخانه "ا. ب. د" ملاحظه
تلاطم زیر راه سنیایی از
سازمان عضو خود در یمن (اتحادیه
ملی دانشجویان یمن " ساین
اتحادیه مخیره کرد :

تنگرانی خود را از تجاوز جدید
ایران علیه جمهوری، و ده ای -
دمکراتیک یمن اسراژ میداریم .
از سقوط جنگنده تجاوز کسر
جوشحالیم و بار دیگر سنیایی
خود را از یکبار عادلانه مردم و
دانشجویان یمن علیه امپریالیسم ،
دیه ها و مانورهای ارتجاعی
و برای تحکیم استقلال سیاسی ،
اجتماعی و اقتصادی موکد میگویم

لنین چنین بود

آموزش لنین، پیشای کبیر برولناریای جهان و بنیادگذار نخستین دولت سوسیالیستی، اکنون چراغ راهنمای میلیونها نفر از مردمی است که با درکار ساختن سوسیالیسم و کمونیسم اند و با برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم بیکار میکنند. ولی لنین را از جنبه دیگری نیز باید شناخت. این جنبه، خصائل انسانی و سبک کار لنین است، برخوردار و واکنش او است در برابر حوادث عادی و غیرعادی زندگی. و این خصائل و سبک کار، این برخوردار و واکنش جنان است که باز هم بدون تردید میتوان لنین را سرمشق قرار داد و از وی آموخت.



از جمله کسی که در این زمینه آثار یافته، مجموعه داستانهای کوچکی است در باره لنین، که نویسنده

سوروی کنورگ و - بیت
کرد آورده شده است.
Georg W. Pijet

مناسبتاً ضمن سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر ما برخی از این داستانهای کوچک را ترجمه کردیم که به ریج در آرمان منتشر میسازیم.

سفر

پس از انقلاب فوریه که به سقوط تزار منجر شد، لنین و رفقایش میخواستند هرچه زودتر خودشان را وطن برسانند.

انگلیسها و فرانسویها از مسافرت اشخاص در سراسر جنبه شدیداً جلوگیری میکردند و در جستجوی راه دیگری که بتوان از مسیر جنبه جنگ ختم بوشی کرد،

بالاخره باین فکر رسید که خودش را کرولال جایزند و با یک گذرنامه سوئدی از آلمان به استکهلم برود.

همسر لنین، در حالیکه میخندید، از وی پرسید:

لیست

* والودیا! تو واقعاً فکر میکنی که بتوانی یاوه‌ها و مزخرفات مسافرتین ناسیونا آلمانی را که دوازده ساعت تمام توی قطار با تو همسفر هستند، شننیده بگیری؟
لنن در پاسخ گفت:

* بطور حتم نمیشود شننیده گرفت* و در حالیکه زیرکانه میخندید، افزود:

* اما تو فراموش کرده‌ای که من لال هستم و بهر یاوه‌ای نمیتوانم جواب بدهم!

همسر لنن در حالیکه بشدت میخندید، پرسید:

ل

* من چطور میتوانی از مغزی که تو آنرا با حماقت دیگران پر میکنی، در عین حال انتظار حل مسائل پیچیده را داشته باشی؟

لنن در حالیکه آه میکشید، گفت:

* میدانم نادیا! باید فکر بهتری بکنم. برای من همیشه سی نهایت مشکل‌بوره است که بتوانم خودم را احضر نشان بدهم.



لنین و

همسرش

کرویسکایا

این عکس در

سال ۱۹۲۲

گرفته شده است

با کمسومول

آشنا شویم

امسال نه تنها مردم شوروی ، بلکه سراسر بشریت متری شصتین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر را جشن میگیرند . انقلاب اکثر فصلی است از تاریخ هر کشور جداگانه ، سرآغاز يك انسانیت نوین .

در راه بزرگداشت این رویداد بمعنای راستین کلمه دوران " آرمان " با نوشته زیر انتشار يك رشته مقالات را در باره جنبه های مختلف انقلاب اکثر و گسترده های گوناگون زندگی سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و هنری نخستین کشور سوسیالیستی جهان آغاز میکند .

" کمسومول " نام " جامعه لنینیستی جوانان کمونیست اتحاد شوروی " است . این سازمان بیش از نیم سده پیش ، در سال ۱۹۱۸ ، در نخستین کنگره های جوانان کارگر و کشاورز روسیه " پایه گذاری شد . در آن زمان کشور نو انقلابی روسیه سالهایی بس دشوار را میگذراند . یکسال پیش ، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر به پیروزی انجامیده بود و کارگران ، دهقانان ، سربازان و روشنفکران انقلابی این کشور بر رهبری حزب کمونیست به ساختمان جامعه ای نو ، نظام سوسیالیستی ، همت گماشته بودند . نوسازی اقتصاد از هم پاشیده و رهبری آن بر پایه اصول سوسیالیستی از جمله وظائف مبرمی بود که در برابر حکومت جوان قرار داشت . دسیسه های ستیزه جوینان ضد انقلابیون داخلی و بیگانه مدخله دولتهای امپریالیستی و لزوم غلبه بر ویرانی ، گرسنگی و فقر بی همتا پیشبرد این هدف را اگر نا ممکن نمی نمایاند ، دست کم بس دشوار میساخت .

بگفته لنین در توصیف آن دوران : " نبرد طبقاتی ادامه می یابد و تنها شکل آن در کون شده است. این ، نبرد طبقاتی پروولتاریاست برای جلوگیری از بازگشت استثمارگران کهن . . . نبرد طبقاتی ادامه می یابد و وظیفه ماست که همه منافع خود را تابع این نبرد کنیم ."

در چنین شرائطی ، جوانان روسیه انقلابی در صف نخستین مبارزه قرار گرفتند . کمونیست ها به توان انقلابی نسل جوان اعتقاد داشتند و جوانان درک میکردند که بیکار آنها در راه پیشبرد منافع خود و چیرگی برستم اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی تنها در هم پیمانی با طبقه کارگر و زیر رهبری حزب مارکسیستی کامیاب خواهد شد . شرکت کنندگان " کنگره نخستین " نماینده بیش از ۲۲۰۰۰ عضو بودند ، لیکن ایمان داشتند راهی را می پویند که در آینده نزدیک به پیدایش یک سازمان توده ای نیرومند ، مرکب از میلیونها عضو ، خواهد انجامید . بدینسان ، ۲۹ اکتبر ، بعنانه روز پایه گذاری کمسومول لنینیستی ، در تاریخ درخشان جنبش انقلابی جوانان کشور راهکمای سوسیالیسم و سراسر جهان ثبت شد .

کمسومول از سال ۱۹۲۴ تاکنون حامل نام لنین است. در اینسال بود که " جامعه جوانان کمونیست روسیه " چند ماه پس از مرگ لنین ، ششمین کنگره خود را تشکیل داد . در مانیفستی که این کنگره خطاب به همه اعضای کمسومول و جوانان کارگر و کشاورز صادر کرد ، میخوانیم :

" ما این تصمیم را (اتخاذ عنوان ' لنینیستی ') نه بخاطر کلمات زیبا گرفته ایم و نه برای آنکه سترگترین نام را بر خود تهمیم و تنها به بزرگداشت نامداری فقید بپسندیم . نه ، مقصود ما آنستکه جوانان رنجبر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، همسراه با پیشاهنگ خود ، "جامعه جوانان کمونیست" ، متحداً به فراآمیزی زندگی ، کار و بیکار در راه لنینیسم دست یابند و آرمانهای لنین را بیکار بندند ."

فعالیت های حماسه مانند ، راهنما و راه گشا ، دلیرانه ، فدایکارانه و بسیج کننده کمسومول فصلی درخشان از تاریخ پر رویداد و شورانگیز کشور شوراهای را تشکیل میدهد . نشان های بیشعاری که کمسومول از آغاز فعالیت خود تاکنون به اخذ آنها افتخر شده است (سال ۱۹۲۸ - نشان پرچم سرخ ، سال ۱۹۳۱ - نشان پرچم سرخ کار ، سال ۱۹۴۵ - نشان لنین ، سال ۱۹۴۸ - نشان لنین ، سال

۱۹۵۶ - شان لینن ، سال ۱۹۶۸ - نشان انقلاب اکتبر . . .) ، گوشه‌ای از تراز-
نامه عالی یآوری و شرکت جوانان شوروی در راه بنیاد گذاری جامعه ای دادرور
و شکوفاست .

هر جوان شوروی که آئین نامه ۳ کسومول را بپذیرد ، در ساختمان کومنیسم
شرکت فعال داشته باشد ، در یکی از واحد های کسومول بکار بردازد و از تصمیمات
آن تبعیت کند ، حق دارد که بهضویت این سازمان درآید . این بدان معنی
نیست که هر در خواست عضویتی بد پرفته میشود ، عضویت کسومول افتخاری است
که تنها در سایه دانش اندوزی ، کوشائی ، فداکاری و میهن پرستی نصیب افراد
می گردد .

پایه ساختار سازمانی کسومول سائترالسم د مکرانیک است . یعنی :

- همه ارگانهای رهبری ، از پائین تا بالا ، انتخاب میشوند ،

- همه ارگانهای کسومول هم در برابر سازمانهای پایه ای هم در قبال تشکیلات
بالا تر مسئولند ،

- در کسومول انضاط و اصل تبعیت اقلیت از اکثریت حکمفرماست ،

- سازمانهای پائین وظیفه دارند که تصمیمات سازمانهای بالا را اجرا کنند .

شماره اعضای کسومول اینک متجاوز از ۳۵ میلیون است . سالیانہ ۴ میلیون جوان
بهضویت این سازمان در می آیند . کسومول در حال حاضر دارای بیش از ۳
هزار سلول در کارخانه ها ، کتخوزها ، موسسات آموزشی و فرهنگی ، واحدهای
نظامی و غیره است . از جمله وظائف اعضای کسومول شرکت فعال در گستره های
مختلف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی ساختمان جامعه نو ، بیکار در راه
اندیشه های مترقی ، قرا آموزی مارکسیسم - لنینیسم ، دفاع از میهن ، تحکیم
دوستی میان خلق ها و بیک سخن حراست دستاورد های انقلاب اکتبر است .

فعالیت های انتشاراتی کسومول بر پایه پرورش کمونیستی نسل جوان استوار است
این سازمان دو ارگان مرکزی ، " کسومولسکایا پراودا " (با تیراژ ۵ میلیون) و
" پیونیرسکایا پراودا " (با تیراژ ۱۰ میلیون) ، منتشر میکند . بقیه نشریات
کسومول بیش از ۲۹۶ روزنامه و مجله محلی را در بر میگیرد که تیراژ آنها جمعا
بالغ بر ۶۸ میلیون میگردد .

" کارد جوان " ، بنگاه انتشارات کسومول ، در ۵۰ سال گذشته به نشر بیش از
۱۵۰۰۰ کتاب مختلف دست زده است . بیش از ۵۰ مؤلف این کتابها به نشانها

گونگون، از جمله سان لنین، به سر آمده اند.

نماید که جوانان شوروی در جنبش بین المللی جوانان عهد ده " کمیته سازمانها جوانان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی " واکتار شده است. این سازمان عضو " فدراسیون جهانی جوانان دمکرات " است. بخش دانشجویی " کمیته سازمانهای جوانان " شورای دانشجویان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نام دارد که از اعضای فعال " اتحادیه بین المللی دانشجویان " است. " کمیته سازمانهای جوانان " همواره یکی از گردان های رزنده جنبش صرخی جوانان و دانشجویان جهان شمار میرفته است. و با سازمانهای کمونیستی، دمکراتیک و صرخی جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، پیوند دوستی و همسنکی دارد.

در بداری که هیئت رشیده " نخستین کنکره جامعه های جوانان کارگر و کشاورز روسیه " از لنین بزرگ عمل آورد، با و گفت:

" ما به " جامعه " خود عنوان " کمونیستی " داده ایم "

لنین پاسخ داد: " عنوان مهم نیست. مهم اینکه رفتار و کردار ما کمونیستی باشد ".

نماینده کان جوانان روسیه انقلابی سرکند خوردند: " میگویم تا شایسته این عنوان باشیم ". تاریخ کموسول ثابت میکند که سازمان پیشاهنگ جوانان شوروی همواره باین سوکند وفادار باقی مانده است.

آجسائی سربست آسان است که خود زندگی

بدان کمک کند.

کالینین



«فروغ» شاعری که



قربانی شد؟

شعر فروغ فرخزاد، "هوائی تازه" بود برای ادبیات کهن فارسی که
اختناق و استبداد را تنگی نفس انداخته است. اما فرخزاد ناگهان "تصادف"
کرد و مرد!

۲۵ سپتامبر ماه دهمین سالگرد است مرگ فروغ فرخزاد بود.
ده سال از مرگ او گذشت و هنوز این راز آشکار نشده است که مرگ او چه
مرگی بود؟ آیا او نیز چون، نخعی، صمد بهرکسی، حلال آل احمد
و حمید صدق "تصادفا" کشته شد؟ روزی که سازمان تروریستی ساواک
و رژیم منگی سر آن، بدست توانای خلیق ریشه کن شوند، آنگاه پرسد
از این "رازهای سر بسته" سرگرفته می شود.

من خواب دیدم که گفتی: میاید
 من خواب يك ستاره قرمز دیدم
 و يك جنم هم میبرد
 و گفتند همی حفت میوند
 و کور نوم
 اگر دروغ بگویم
 من خواب آن ستاره قرمز را دیدم
 وقتی که خواب نبودم

کسی که مثل
 من است
 بیچاره

کسی میاید
 کسی میاید
 کسی دیگر
 کسی بهتر
 کسی که مثل هیچکس نیست، مثل پدر نیست، مثل پدین نیست، مثل مادر نیست

و مثل آنکسی که باید باشد
 و قدش از درخت های خانه معماری هم بلند تر است
 و صورتش

از صورت امام زمان هم روشنتر
 و از برادر سید حواد هم
 که رفته است

و رخت پاسبانی پوشیده است نمیترسد
 و از خود سید حواد هم که تمام اتاقهای منزل ما مال اوست نمیترسد

و اسمش آنجنانکه مادر
 در اول نماز و در آخر نماز صد ایش میکند
 یا قاضی القضاات است

یا حاجی الحاجات
 و میتواند

تمام حرف های سخت کلاس سوم را
 با چشم های بسته بخواند

و میتواند حتی هزار را

بی آنکه کم بیاورد از روی سیست میلیون بردارد
 و میتواند از مغازه سید حواد هرچه که لازم دارد جنس نسبی بگیرد



و میتواند کاری کند که لامپ * الله *
که سبز بود مثل صبح سحر سبز شود
دوباره روی آسمان مسجد فناحیان
روشن شود



آخ
چقدر روشنی خوبست
چقدر روشنی خوبست
و من چقدر دلم میخواهد
که یحیی
يك چار جرعه داشته باشد
و يك چراغ زنبوری
و من چقدر دلم میخواهد
که روی چارجرعه یحیی میان هندوانه ها و خربزه ها بنشینم
آخ

چقدر دور میدان جرخیدن خوبست
چقدر روی نام خوایدن خوبست
چقدر باغ طن رفتن خوبست
چقدر مزه بیسی خوبست
چقدر سینمای فردین خوبست
و من چقدر از همه چیزهای خوب خونم میاید
و من چقدر دلم میخواهد
که کیس دختر سید حواد را بکنم

چرا من اینهمه کوچک هستم
که در خیابانها کم مینوم
که پدر که اینهمه کوچک نیست
و در خیابانها کم نمی شود
کاری نمی کند که آنکسی که بخواب من آمده است روز آمدنش را جلو بیاندازد
و مردم محله گشتارگاه
که خاک باغچه هانان هم خونست



و آب حوض هاشان هم خونیت
و تخت گش هاشان هم خونیت
چرا کاری نمی کنند.

چقدر آفتاب زمستان تنبل است

من پله های پشت بام را جارو کرده ام
و شیشه های پنجره را هم شسته ام

کسی میاید

کسی میاید

کسی که در دلش با ماست در نفسش با ماست در صدایش با ماست
کسی که آمدنش را
نمیشود گرفت

و دستبند زد و به زندان انداخت

کسی که زیر درختهای کهنه یحیی بچه کرده است
و روز به روز

بزرگ میشود بزرگتر میشود

کسی که از باران از صدای شرشر باران از میان پیچ کلبه های اطلسی

کسی که از آسمان نوبخانه در شب آتش بازی میاید

و سفره را میاندازد

و نان را قسمت میکند

و پپسی را قسمت میکند

و باغ ملی را قسمت میکند

و شربت سیاه سرفه را قسمت میکند

و روز اسم نویسی را قسمت میکند

و چکمه های لاستیکی را قسمت میکند

و سینمای فردین را قسمت میکند

درخت های دخترسید جواد را قسمت میکند

و هر چه را که باد کرده باشد قسمت میکند

و سهم ما را هم میدهد

من خواب دیدم ام

داستان دوستان

آرمان در سماره سال سوم ، از خوانندگان ، دوستان و همکاران خود دعوت کرد تا فصد هایی از بحریات و مصاد ان خود که مستغیا در آنها شرکت داشته و یا ناظر و شاهد آن بوده اند برای ما بنویسند . برخی از دوستان این دعوت را پذیرفتند و برای ما شعرها و داستانهایی فرستادند ، که ما بتدریج آنها را منتشر خواهیم کرد . ایبار فصد ای از :

شاهد

XXXXXXXXXX

نمان و سرمایه

دم دمای امتحان بود و ما معلمین بیانی جنوب تهران خستگین ازینکه سالچه بار و سی نمره که ست ، متفول طرح سئوالات امتحانی بودیم و فرصت سر خاراندن بدانیسیم .

اول هفته بود و من بیس از ورود به کلاس و حاضر و غایب کردن متوجه خالی بودن جای نساء ، دخترک ریز نفش کلاس که اغلب مریض بود شدم . نفش و ضعف های او که ناشی از فقدان همه حیوضی غذائی مزمن در او بود برایم تقریبا بصورت یک مسئله روزمره و در عین حال حل نشدنی در آمد بود .

روزها ازین هم میگفتند و کمی قبل از شروع امتحانات بد سرم زد که خودم سرا کس و کار او بروم و از احوالش جويا شوم . از روی آدرسی که در دفتر مدرسه ست شده بود ، بسایک ناکسی لکننده ، روانهی محله های بینوائی زدی نه شهر شدم ، حوائلی غروب به خانه ای جوسی و گللی ، که با آدرس

مطابقت داشت ، وارد شدم . پردهی جهل نکلی نسبتا کلفتی را که کویا به جای در خانه بر سر در آویخته بودند ، بالا زدم و در حالیکه برای حفاظت از برخورد با چارچوب کوناه سرویستم را فوز داده بودم ، به دنبال گورسوی چراغ قدم به درون محوطه گداشتم . موجی از هوای گرم خورد توی صورتم ، اتاق با نور لامپائی که بد میسوخت و دود میکرد نیمه روشن بود . با چند یلک به هم زد من بی دربی و عادت به هوا و فضای محیط مسایه هائی کم و بیش متحرک برد یواری اتاق و سپس جبهه ری پریده رنگ نساء به حشم خورد . بوی خمیر تازه و نمان

رشته یا آن محیط کرد گرفته تناسی بدانت و من در نظاره‌ی نانوایی که مرتب در حرکت بود سلامی کردم . گمراهی نانوایی عبارت از سوراخی در کف اتاق بود و از آن دود و دم بیرون میزد . همانجا مقهور بنحه قهر ، کنار سردی چپسل نکه وارقم .

نانوا ، زنی نحیف با جثتی ریز و کلاغ مانند بود . در خم و راست شدن بی درسی اندام کلاف نموده اش هر لحظه بیخ آن میرفت که آخرین پیوند گوش‌هایش با حلقه‌های سرنجی کوشواره هائی که دو طرف عارض باریکش تاب میخورند باره نبود . چند ناروی بی رفق خاکستری از زیر دستارکند و گوش آنرا از زیر موها رد کرده و به روی سرتخم مرغی سنگش کوه کرده بود ، مثل زالو تا روی نخ تانف هاش آویزان بودند و دستهای سوخته و خاکش ، با سهارنی بعید کرده‌های برآمده خمیر را که در محمه ای کنار دستش حیده شده بودند ، بر روی صفحه‌ها دم کنسی مانند پهن میکردند و به جالاکتی در حالیکه اندام زن ، کوئی تا نیمه ، در سوراخ نئور فرو میبرد ، آنها را به دیواری برناب تنوری حسابند . در کمر راست کردنش ، گوده‌ی برشته ندهی قلبی را از دیواره میکند و سه روی بیلاس ژنده ای که در سمت دیگرش برکف آجری زمین پهن شده بود ، سراب می‌کرد و دستش را برای جلوگیری از سوزش نفت نئور در کاسه ای که آبی خمیر آلود و کجی رنگ در خود داشت ، فرو میکرد و دوباره در خمیر نازه و درآمده خشک می انداخت .

در دستش نساء ، که کوئی آب و رنگ جوانی و خادای کود گانه را هرگز نخره تکرگ است ، در حالیکه کهنه با کوزه‌ی آستین زاکت مندرس و نخ نمائی ، عرق از جبین میزدود ، و دست در لاک حویس بر از خمیر داشت و از مابدی درون آن با نردستی گلوله هائی بی ساخت و بوی محمه می‌گذاشت .

آن سوتر و نه خندان دور از هرم تنور ، دو کودک تزار ما موهای سیاه برپش و مفاهای آویزان در حالیکه با خنده های نان ور می‌رفتند ، حرت می‌راند .

پسرکی شاید به سن ده ، دوازده ، با بیحالی روی زیلوی نخ نساء و رنگ باخته‌ی اتاق پهن شده بود و نفسش سیآلود و دردناک مینمود . کنارش يك مشت خرت و یرت ، يك ضرباد دوره سیاه نسبتا بزرگ ، يك حفت گفش کهنه‌ی تخت ور آمده ، سماوری که از نفس افتاده بود ، کاسه‌ی لب بریدنی گلی و سارنگ مسی و فنجان ملاسن ولو شده بودند .

پردهی سمت دیگر اتاق که گویا رو به حیاط بود ، بالا رفت و نمج پیرمسر د

تکید ای که سیك پدر خانواده بود ، در آسانه ظاهر شد . پیر مرد سرده‌گنا
در حالیکه در جبق سرسیاهش میدید ، به درون آمد ، هنگامی سنگینش را به
زحمت بالا کشید و با صدائی غمزه و تود ماغی پرسید :

چند نا فرمان؟

نکنه بیبوا قافید را بخته بودم ، از رودر بایستی ، نتوانسم بگویم برای چه
به اینجا آمده ام . - هشت نا لطفاً .
میکنه هسش تومن و هفت زار ،
بفرمائید ، این ده تومن ، بافیش باشه خد منون
خسدا عز تنونکم نکنه

و در همان حال که پول را در کیسه‌ی کوچکی که جلوی تنم به بند سلوارش که
زانوهایش تنگ داده و رنگ باخته بودند ، فرو می‌کرد ، دولا شد و چند لوش
را با ساتی و سر در گیپان دسته کرد و در کمر راست کردنش با آخی در آلود
بدن داد .

در دست راستی يك انگشت بیشتر دیده نمیشد که به طور ناهنجاری به دستش
جوش خورده و آویزان بود . برای بازگردن سر صحبت با او نداشتن سفره تان
را بهانه کردم و او پارچه‌ی مندرس چهارخانه‌ای را از میخی که به دیوار بسود
گرفت و در حالیکه ناسها را در آن می‌پیچید برایم ماجرای سی سال کار در يك
کارخانه و سپس از دست دادن انگشتهای دست راستش را در زیر ماشین
تعریف کرد .

بالاخره ، پس از ماهها دوندگی و بالا آوردن چندین هزار تومان فرضی قولی
آب یاکی روی دستش ریختند و او پس از بالا و یائین کردن عقلش به این نتیجه
رسید که بهتر است برای خود و خانواده اش مرگب مستقل داشته باشد تا
پسر ارشدش مجبور به گداهی و دزدی و دخترش ، نور دیده اش ، نسا مجبور
به کلفتی در خانگی این و آن نباشد و از فحشاء دور بماند .

بسرش به قول خود او ، صدای خوشی داشت و او با تهیهی يك ضرب او را به
کسب شرافتمندانه و داشته بود و دخترش ، تا به شوهر رفتن برسد ، عصای
دست مادر بود

در جواب من که از او خواستم اجازه بدهد " نسا " دوباره به سر درس و مشق
باز گردد ، با تلخی گفت :

"ای بابا، ما و درسی خواندن، ما و با سواد شدن؟ این حرفها برای ما آمد
نداره، ما که عزیز کرده و تورجی بد دنیا نیاوردیم. این خاندهای بالا بالا
هستند که باید به چیزهای خوب دسترس داشته باشند
اصلاً کیه که از زنده مردی ما بپرسد؟"

حرفهایش که تمام شد دست استخوانیش را به صورت کشید، انکاری که از پیچ و
خمنیارهایی که برایش به قیمت یک زندگی سی حاصل و ناسامان تمام شده بودند
شرم میکرد. لحظه‌ای بعد سرش دوباره بالا بود، صدایش بالا گرفت و در

حالی که پیدا بود که مخاطبش دیگر من و شاید من تنها نیستم، فرید:
"درست میشه، بالا و پائین زیاد داره ولی همینطوری نعیونه، دست همه کسه
لای ماشین گیر نکرده، میریا زود، خیلی چیزها باید زیر و رو بشه و یا به کل
عوض بشه، به امید آن روز، شکر" و بعدش انکار رفت نو فکر یک چاره.
لامپا کورسوی آخر را میزد که بچه‌ها همانجا کنار خاکسرو توری که اگر عمیق‌تر
میبود شاید از زیر آن نفت فوران میکرد و حالا فقط نرم نرم بود میکرد و بوی
زغال و چوب سوخته از حلقومش به اطراف میراکنه، زگر کردند و جواب رفتند.
تا نوا دست از کار کشید و سا کوشه آستینش عرق از حمیره زدود و نسا، نگاهش
روی نانهای که تلتبار شده بودند، خشکید. خشکی و وحشت از بندار آینده
روی صورتش پنجه کشید و جا انداخت؛ و من با خود اندیشیدم بگیرم که حالا
برای همراهی و همدردی با نسا، راهی کلبه آنها شوم و از این رهنگه ریزگاهی
از بار سنگینشان را از دوش تحیفشان بگیرم، ولی آیا چاره این است؟

چشم از منظره زندگی وقت بارگاری که پس از سی سال کار، تنها، توری در
گف یک کلبه، یک خروار قرض و قوله و چند بچه علیل و نزار، به عنوان سرمایه، برایش
مانده، برگردم و همانطور عقب عقب پام را از لای پرده به سنگرش بیساده رو
گذاشتم.

لیکه

بوق یک دوجرخه سوار از فحشهای جارواری او در جا میخکوبم کرد و در جا
بوی تمدن بزرگی دوباره شامه ام را به سوزش انداخته بود، راه را برای مشتری
بعدی که توی ماشین نشسته بود و مرتب بوق میزد، باز کردم و به خیابان زدم.

... نامه رسیده

م. فروزان

یکی از خوانندگان آرمان، برداشتهای خود را از داستان "با شیرو نوشته" محمود دولت آبادی، که بوسیله انتشارات آرمان، در خارج از کشور تجدید چاپ شده است، برای ما فرستاده است. آرمان باتشکر از همکاری این خواننده، برخوردارا با این اثر منتشر میسازد. از ادامه همکاری او با آرمان خودنحال میشویم.

قلم پرتوان، زبان شیرین، ژرفانگری، بینش درست و ویژگیهای اکثریت سردم ستم کش را زندگی کردن، سبب شده محمود دولت آبادی آثار چینی زیبا، گویا و درخور اندیشه بیافریند که تا سه دل بنشینند و خواننده راستی با تعام وجود و احساس و اشتیاق داستان را تا پایان پی گیرد.

دولت آبادی از خطّه خراسان برخاسته است ولی هر یک از نوشته های او را که می خوانی گویی او از همان محیط است و همه آنچه در داستان می گذرد بر او هم گذشته است و شخصیت های داستان جزئی از خود او هستند. با شیرو یکی از همان داستانهای است که سخت به دل می نشیند. زیرا نمایانگر زندگی توده کشورمانست، چون بازگو کننده "محرومیت، دست تنگی و کوشش برای رهایی از جنگال بندگی است."

خُله ساده دل که خفت و بی حرمتی را پذیرا نیست و تا آنجا که در توانش هست با آن می ستیزد.

فرصت طلبی و شخصیت سمّات و پوک عبید. دل پاک جاسیم و بزرگی های او. خَدّوشی که با پیگیری و شکیبائی علیرغم مخاطرات در محیط فشار و زور قلچماقها، روشنگری را وظیفه ای میبرم می داند. و با گفتگوی قریش با خد و قریش نزد خد و می رود و آنچه شب گذشته، هنگام بازگشت از جلسه ای که سه کارگر دیگر نیز در آن شرکت داشتند، برایش رخ میدهد و سه نفر ناشناس سیاه پوش او را تهدید می کنند و از وی می خواهند که دست از این کارهایش بردارد. برای او تعریف می کند و در این گفتگوست که بین قریش و خَدّو، خَدّوشی که فن پیکار بی امان، دلیرانه و سستی ناپذیر با دشمن راه، که در عین حال بسا

حزب انقلابی همراه است، درگیراگیر نبرد طبقات (در درگیری رودر رو با دشمن طبقاتی) آموخته است، چنین می خوانیم :

قریش: این یعنی چه؟ هی ما درست کنیم هی آنها خراب کنند؟ هی ما درست کنیم هی آنها خراب کنند؟
خَد و گفَت :

تا یادمان باشد که بار دیگر محکفتر درست کنیم، تنها نتیجه همین است .

یا شخصیت های دیگر داستان که به روشنی نمایان است که وظائف اجتماعی و مبارزه برای زندگی بهتر و وسیع مردم محروم و تحت ستم، زندگی فردی شان را تحت الشعاع قرار داده است .

اینها و ریزه کاریهای زیرکانه دیگر همراه با قلم شیوا و مسلط دولت آبادی نسوق خواندن دیگر آثار او و سایر نویسندگان مشرق و مردمی مان را که دردهای اجتماعی و فردی را تصویر می کنند، برمی انگیزد و موجب آشنائی ما با ادبیات مشرق و روشنگر دوران اختناق می شود .

سخت کوشی نویسندگان و هنرمندان واقع گرا و پیشرو ایرانی در بالا بردن سطح فرهنگ اجتماعی علیه تلاشهای سازمان تروریستی ساواک و رژیم متکی بر آن که همه چیز را از زیر تیغ سانسور خود می گذراند و دشوارترین شرایط را برای نمود استعداد های نهفته و واقعی ایجاد می کند، درخور ستایش است و ما را بر آن میدارد که هر چه بیشتر با آثار و ادبیات مردمی کشورمان آشنا شویم، آنها را بخوانیم، و اگر در توانائی ماست با پیگیری کوشش کنیم استعداد های نهفته خود را تربیت کرده و در این راه بکار بیاندازیم باشد که دولت آبادی ها، درویشیان ها، بهسرنگی ها و بینتری در پهنه ادبیات امروزی ایران داشته باشیم .

آرمان : انتشارات آرمان شادمان است اولین کتاب از مجموعه آثار مشرقی محمود دولت آبادی را تجدید چاپ کرده و در اختیار دستداران این نوع نوشته ها گذاشته است . امید است پاکمکهای همه جانبه تنها بتوانیم در این راه قدمهای بینتری برداریم و نیاز قشر جوان و جوانی ایرانی خارج از کشور را به شناخت هرچه بیشتر ادبیات مشرق ایران، تأمین کنیم .

سندی که معلوم می‌تند

وزیر امور خارجه رژیم شاه در تاریخ ۲۲ ژانویه در مصاحبه‌ای در تهران اعلام داشت که، سازمان پلیس مخفی آلمان فدرال با ساواک همکاری نزدیک داشته و این سازمان حمایتگر را از فعالتهای مہمی و ضد رژیمی سپین‌برستان ایرانی آگاه می‌سازد.

این دو مین بار است که کارکنان رژیم شاه رسماً اعلام میکنند که ایرانیان خارج از کشور بوسیله سازمانهای پلیس مخفی کشورهای امریالیسی کنترل می‌شوند.

همکاری سازمانهای پلیس مخفی ایالات متحده امریکا و آلمان فدرال با سازمان تروریستی ساواک، موج بلند و کسندای از برخاستن علیه دول و مراجع قانونی این کشورها پدید آورد.

در اثر روشنگریهای منعم و مؤثر سپین‌برستان سیکارگر ایرانی در خارج از کشور و آگاه ساختن افکار عمومی جهان از جنایات ضد انسانی و تروریستی ساواک، جهانیان چنان از رژیم تروریستی - ساواک تشرف و نسبت بآن خشمگین هستند که هیچ دولتی حرشت ندارد رسماً همکاری خود را با این سازمان تروریستی اعلام کند.

سند شماره * WF II - 101/76 تهیه شده بوسیله کمیسیون مجلس آلمان فدرال (بوندس ساگ) نشانه، ترسخنی افشاگریهای سپین‌برستان ایرانی است.

آرمان خلاصه، این سند را، بعلت اهمیت آن، منتشر می‌سازد. باید با استفادہ از همه امکانات افکار عمومی جهان، بخصوص آلمان راه چنان تجهیز کرد که فعالیت ساواک در آلمان و دیگر کشورها ممنوع شود.

فعالتهای سیاسی ایران تنها بار ادہ، یک فرد، محمد رضا شاه پهلوی، تسعین میگردد.

تبدیل ایران بیک قدرت جهانی آرزوی است که تبدیل به مهمترین اصل حکومت او شده است.

انگیزه، این آرزو دو عامل است یکی وجود منابع نفت و دیگر تکانه های روانی ناشی

از نفوذ سیاسی کشور در گذشته است که خود نتیجه رقابت های ایلی و اختلافات
مذهبی و جنگ های سیاسی بود .

سازمان برای اینکه نابایان فرین جاری به هدف خود دست یابد ، خلق ایران را به
یک نهاد اقتصادی که با اختناق شدید سیاسی همراه است میتازاند .

نظر استنادی که امر ایجاد قدرت جهانی ایران آینده را باخطر مواجه سازد با مطالعه
بی رحمانه ای مواجه خواهد شد . توسل به امپراطوری ایران باستان تقویت کننده بیابان
ایدئولوژیک این رویاست .

از این تاریخ (منظور کودتای امپریالیستی ۱۳۲۲ - مترجم) پایه های دیکتاتوری
سازمانی را برجستان محافظه کار کشور ارتش ، و ساواک تشکیل میدهند . از
سال ۱۹۵۷ - ۱۹۵۲ (۱۳۳۲ - ۱۳۲۶) در ایران حکومت نظامی برقرار بود در
سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶) ساواک تشکیل شد و کویا آموزگاران عمال سازمان امنیت
ماه رین سیا (سازمان جاسوسی آمریکا - مترجم) و پلیس مخفی اسرائیل بوده اند .
کار این سازمان کنترل تمام فعالیت های ضد رژیم در داخل و خارج از ایران است .
سازمان دهنده اهمیت ساواک ، موقعیت رئیس کابینه : که واسنه به دفتر نخست وزیر
و معاون نخست وزیر است . بین پلیس و ارتش همکاری نزدیکی صورت میگیرد .
تسلط ساواک تقریباً مطلق است و فقط اراده شاه است که آنرا محدود نماید .
جاسوسان ساواک در سراسر کشور پخش هستند و تمام گروه های مهم اجتماعی را تحت
کنترل دائمی خود دارند .

دولت ، یک دولت پلیسی تمام عیار است .

دامنه فعالیت های این سازمان اینک بخارج از مرزهای کشور نیز وسیعاً گسترش یافته .
از قرار معلوم فعالیت های این سازمان در کشورهای خاور نزدیک و میانه و همچنین
بین دانشجویان ایرانی در خارج از کشور بخصوص در آمریکا و آلمان قدرالتمدد است .

بطوریکه تخمین زده میشود در حدود ۲۰۰ هزار نفر کارمند دائمی یا مسمی ساواک
هستند . تمام بزه های که بنظر ساواک علیه امنیت کشور ، نظام سلطنتی و غیره باشند
و همچنین راهزنی ، تولید مواد مخدر و قاچاق این مواد صرف نظر از وضع اجتماعی
متممین همه در دادگاه های نظامی مورد بررسی قرار می گیرند .

این دادگاهها در نحوه کار خود رعایت کوچکترین موازین کشورداری قانونی را نمی کنند
و اصول مصرحه در قانون اساسی ایران را که بر طبق آن رسیدگی به بزه های سیاسی

باید در حضور هیئت متعصبه در دادگاه صورت گیرد، بندت بایمهال می‌کنند.
بررسی‌های این دادگاه‌ها بدون استثناء بر اساس "ساخت‌های سازمان امنیت صورت
می‌گیرد."

باظهارات متهمین توجهی نمی‌شود و تکذیب‌اقرارهایی که بزور شکنجه از آنها گرفته
شده بی‌تاثیر است.

شنیدن نظریات شاهد ها و دیگر انواع اقامه دلیل معمول نیست.

ادعای نامه دادستان علیه متهمین يك ادعای نامه کلی است و جرائم متهمین بدقت
مشخص نمی‌شوند، تجدیدنظر در احکام دادگاه سنگی به میل و اراده مقامات
ساواک دارد.

جلسات دادگاه معمولاً بدون شرکت افکار عمومی تشکیل می‌گردد و حتی افراد
خانواده متهم نیز به ندرت اجازه حضور در دادگاه را می‌یابند.

از سال ۱۹۷۲ به ناظرین خارجی نیز دیگر اجازه حضور در دادگاه داده نمی‌شود.
احکام دادگاه نسبت به اتهامات وارده به متهمین اغلب بسیار نامتناسب است. صدور
احکام اعدام فراوان و اجرای آنها سریع است و تاکنون حتی یک نفر از طرف دادگاه
های نظامی شرفه شده است. یکی از بدترین انتقاداتی که به این نوع دادگاه‌ها
وارد است، این است که دادگاه‌های نظامی اغلب احکام اعدام را بر اساس اقرار
هایی صادر می‌کنند که متهمین صحت آنها را در دادگاه‌ها تکذیب کرده‌اند، زیرا
این اقرارها بوسیله شکنجه از آنها گرفته شده است.

شیوه‌های احتشاق :

دستگیریهایی خودسرانه و بدون حساب ساواک یکی از شیوه‌های تروریستی "عمادی"
این سازمان است.

پستگان دستگیرشدگان، تقریباً بدون استثناء، ماهها از دستگیری و سرنوشت دستگیر
شدگان بی‌خبر هستند، در حالیکه طبق قوانین ایران باید خیر دستگیری افراد را
طی ۴۸ ساعت با اطلاع پستگان آنان رسانید.

یکی دیگر از مواد قانون اینست که دستگیرشدگان طی ۴ ساعت از طرف يك قاضی
مورد بازرسی قرار گیرند، که این قانون نیز اجرا نمی‌گردد. فقط برای حفظ ظاهر
امسران ساواک بعنوان دادرسان نظامی دستوری صوری صادر می‌کنند، که طبق
آن دوران بازداشت می‌تواند تا مدت نامحدودی ادامه یابد.

ساواک که خود تصمیم می‌گیرد آیا اصولاً متهمی باید محاکمه بشود و اگر بایستد محاکمه گردد این امر به عهدهٔ کدام دادگاه گذارده شود، قبل از تشکیل دادگاه موارد اتهام را با اطلاع متهمین نمی‌رساند.

که این عمل تیز به معنی نقض صریح قانون اساسی ایران است که بر طبق آن متهم باید طی ۴۸ ساعت از موارد اتهام علیه خود آگاه گردد.

اتهامات علیه زندانیان سیاسی اغلب غیر مشخص اند و هیچ مدرکی برای اثبات آنها وجود ندارد.

بر طبق قوانین قضائی ایران اعضای گروه‌هایی که ایدئولوژی آنها مخالف سلطنت مشروطه یا کسوفیستی و بعبارت دیگر مارکستی است می‌توانند به سه ماه تا ده سال زندان محکوم گردند، با این توضیح نامتخصص از جرم‌های سیاسی هر نوع انتقادی سرکوب می‌شود.

در اواسط سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) این مجازاتها بندت افزایش یافتند که می‌توان آنها را نشانهٔ رشد اپوزیسیون دانست.

بنابراین هر ایرانی که در داخل یا خارج از کشور با گروه‌هایی که دارای ایدئولوژی اشتراکی و یا گروه‌هایی که مخالف رژیم سلطنتی مشروطه باشند همکاری کند و یا چنین گروه‌هایی را بوجود آورد بزرگان دائم محکوم می‌گردد (اینجا بحث که اطلاعات سازمان حفاظت از قانون اساسی آلمان اشرخس می‌گردد - این جمله از هیئت تحریریهٔ هفته نامهٔ "دی تات" است).

از لحاظ صدور احکام اعدام در جهان ایران در کنار آفریقای جنوبی رکورد غم‌انگیزی را داراست.

طبق تخمین سازمان بین‌المللی عفو از سال ۱۹۷۲ بیش از ۳۰۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند. نام چهل نفر از زندانیان سیاسی که از آغاز سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ اعدام شده‌اند معلوم است.

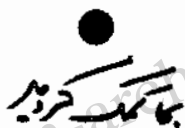
مقامات ایرانی نیز این رقم را تأیید کرده‌اند، لیکن اعدام‌شدگان را غالباً قاچاقچی یا فروشندهٔ مواد مخدر می‌نامند.

در جلسات دادگاه‌های نظامی پنج سال اخیر سازمان امنیت پیوسته متهم به شکنجه زندانیان سیاسی شده‌است.

بر طبق اطلاعات ناظرین بین‌المللی در دادگاه‌های نظامی ایران و اظهارات

زندانیان سابق در برابر سازمانهای حقوق بشر مانند سازمان بین المللی عفو و کمیسیون بین المللی حقوق دانان تردید نیست که ساواک زندانیان سیاسی را بطور سیستماتیک شکنجه می کند ، هم قبل از دادگاه برای گرفتن اقرار از آنها و هم اغلب مدت ها پس از محکومیت آنها تا آنان را وادار بایستادگی کند و مجبور سازد که در برابر افکار عمومی رهبران سابق خود را جنایتکار بجاوند و با سوء فرایان از انقلاب سفید شاه ستایش کنند . . .

شیوه های شکنجه سازمان امنیت با آنچه در کشورهای غربی متداول است تفاوت چندانی ندارد ، مانند شوک برقی ، تجاوز جنسی ، فلک کردن ، دستبند های قلابی ، داخل کردن باتیم برقی مخصوص یا بطری در مقعد و غیره .
 بنظر میرسد تنها وسیله ای که شکنجه کران ایران "به ابتکار خود" باین مجموعه افزود مانند یک نوع منتقل برف برای کباب کردن زندانیان سیاسی است .



مارک آلمان غربی	۱۰۰ =	شاس
مارک آلمان غربی	۵۰ =	۶۸
مارک آلمان غربی	۵۰ =	ارفان

آرمان
 شماره دبیرخانه مرکزی
 آرمان - دورستن - هولسترهاوسن - آلمان غربی

شماره بانکی G. Sobich Kreisparkasse Rocklinghausen Fil. Dorsten-Holsterhausen Girokonto 1656974	آدرس پستی Gustav Sobich 427 Dorsten Friezenau 3 West-Germany
---	--

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran
 Price: 0,50 DM or its equivalent in all other Countries